



شهرسازی ایلخانی؛ تجلی گاه اولین فضاهای عمومی بزرگ مقیاس هندسی در شهرهای ایرانی - اسلامی

مریم فراهانی^۱، مجتبی رفیعی^{۲*}

^۱ استادیار، گروه معماری و شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر تهران، تهران، ایران

^{۲*} نویسنده مسئول) استادیار معماری و شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران rafiei_m@modares.ac.ir

چکیده

دوره ایلخانی در شهرسازی ایران-اسلامی را می توان به عنوان یک دوره گذار از سبک رازی به سبک اصفهانی دانست. اهمیت این دوره در شهرسازی ایران به آن دلیل است که از یک سو به دنبال وضعیت خاص پیش آمده بعد از حمله ویرانگر مغول، سیر تکاملی شهرسازی ایران را حفظ کرده و از سوی دیگر زمینه و بستر لازم برای شکل گیری سبک اصفهانی در دوره صفویان (۱۱۳۵-۹۰۷ ه.ق) را فراهم آورد. پژوهش حاضر به روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر داده های منابع کتابخانه ای انجام شده است. یافته های تحقیق نشان می دهد که شهرسازی و معماری ایلخانی به دنبال ایجاد شکوه هر چه بیشتر است. ایوان های بلند، ارتفاع بیشتر گنبدها و دهانه ها، فضاهای بزرگ و طویل، اندازه های دقیق تر و متناسب تر در معماری، در میدان وسیع مجموعه های شهری، در غالب شکلی کامل، تبلور شهرسازانه می یابد. در حقیقت، شکل کاملاً هندسی فضاهای شهری بزرگ مقیاس در شهرسازی ایلخانی، اختلاف چشمگیری با حیات مجموعه های شهری قبل از آن و میدان های اندام وار درون بافت های شهری دارد. ویرانی ساختارهای اجتماعی- اقتصادی- کالبدی شهرها توسط مغول در آغاز سده هفتم هجری شمسی، منجر به ابداع مجدد مفهوم میدان در ساختار متعالی تری در انتهای همین سده گردید. ساختاری هندسی و بزرگ مقیاس که با قدرت در شهرسازی دوره صفوی، جهانی شد.

اهداف پژوهش:

۱. بازشناسی سبک های فضاهای عمومی در کرونولوژی سبک های معماری-شهرسازی در ایران.

۲. بررسی ویژگی های فضاهای عمومی در شهرسازی دوره ایلخانی.

سؤالات پژوهش:

۱. در معماری و شهرسازی در تاریخ ایران چه سبک هایی در ایجاد فضاهای عمومی وجود داشته است؟

۲. فضاهای عمومی در شهرسازی دوره ایلخانی دارای چه ویژگی هایی است؟

اطلاعات مقاله

مقاله پژوهشی

شماره ۴۱

دوره ۱۸

صفحه ۳۱۹ الی ۳۳۵

تاریخ ارسال مقاله: ۱۳۹۹/۰۸/۲۲

تاریخ داوری: ۱۳۹۹/۱۰/۲۲

تاریخ صدور پذیرش: ۱۴۰۰/۰۱/۱۶

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۰۳/۰۱

کلمات کلیدی

معماری و شهرسازی، شهر ایرانی- اسلامی، فضاهای عمومی هندسی، دوره ایلخانی.

ارجاع به این مقاله

فراهانی، مریم، رفیعیان، مجتبی. (۱۴۰۰). شهرسازی ایلخانی؛ "تجلی گاه" اولین فضاهای عمومی بزرگ مقیاس هندسی در شهرهای ایرانی- اسلامی. هنر اسلامی، ۱۸(۴۱)، ۳۱۹-۳۳۵.

 [dori.net/dor/20.1001.1.1735708.1400.18.41.18.7](https://doi.org/10.22034/IAS.1735708.1400.18.41.18.7)

 dx.doi.org/10.22034/IAS.2021.131668

مقدمه

فضاهای شهری بخشی از فضاهای باز و عمومی شهرها هستند که به نوعی تبلور ماهیت زندگی جمعی می‌باشند؛ یعنی جایی که شهروندان در آن حضور دارند. فضایی که به همه مردم اجازه می‌دهد که به آن دسترسی داشته باشند و در آن فعالیت کنند. ماهیت فضاهای عمومی آن است که به راحتی قابل دسترسی باشند و شامل فضاهای بسته بدون سقف یا مسقف (ساختمان‌های مذهبی و سازمان‌های مدنی) می‌شوند. این فضاها کالدهای مختلفی از فرم ساخته شده تا محیط‌های طبیعی دارند. با تعریفی این چنینی از فضای شهری، بازخوانی شهرهای ایرانی - اسلامی نشان می‌دهد که تا دوره اصلاحات سلسله ایلخانی، فضای شهری بزرگ مقیاس، هندسی و از پیش اندیشیده که مورد استفاده عموم جهت فعالیت‌های عام اجتماعی بوده باشد، وجود نداشته است. در حقیقت می‌توان اذعان نمود که تا دوره ایلخانی نظام شهرسازی فقط در مقیاس فضاهای حکومتی-مذهبی، یا کلیات شهرسازی از جمله تعیین شکل کلی شهر، طراحی می‌شد. شکل‌گیری واحدهای شهری مثل محله‌ها، فضاهای باز عمومی و حتی شکل و فرم کالبدی بازار، به تدریج و به صورت کاملاً ارگانیک در اطراف هسته‌های طراحی شده، شکل گرفته است. بسته به نوع جهان‌بینی حکمرانان تا قبل از دوره ایلخانیان، فضا و مکانی که برای اجتماع عده کثیری از مردم (در مقیاس شهر) طراحی می‌شد یا فضایی حکومتی مثل کاخ بوده و یا فضایی عقیدتی مثل مسجد. آنچه که در این جا مورد تأکید است، تک عملکردی و خاص بودن فضاهای مذکور است. بدیهی است مجموعه کاخی، ضوابط خاص خود را برای ورود و خروج افراد عامه می‌طلبید. بنابراین، نمی‌توان فضاهای باز، بزرگ، هندسی و از پیش اندیشیده شده آن را فضای شهری عمومی تلقی نمود. فضای باز مذهبی - عقیدتی هم مثل حیاط مساجد یا محوطه باز اطراف آتشکده‌ها، ضوابط عملکردی خاص خود را در طول تاریخ داشته‌اند، از این رو نمی‌توانند مصداق فضای شهری عمومی قرار گیرند.

درخصوص پیشینه پژوهش حاضر باید گفت تاکنون اثر مستقلی با این عنوان به رشته تحریر در نیامده است. با این حال، مقالاتی در باره شهرسازی و فضاهای شهری در دوره ایلخانیان به چاپ رسیده است. مقاله‌ای با عنوان «عوامل و عناصر شکل‌گیری و عناصر شهرهای دوره ایلخانی» به قلم طالب‌نیا و نجفی (۱۳۹۴) به رشته تحریر در آمده است که نگارندگان در این اثر به واکاوی عوامل مؤثر در شهرسازی دوره ایلخانیان پرداخته‌اند. مقاله‌ای دیگر با عنوان «تحلیلی از فضاهای شهری از تبریز ایلخانی تا اصفهان صفوی» توسط فروتن (۱۳۸۸) به رشته تحریر در آمده است. نویسندگان در این اثر به بررسی عوامل مؤثر در دگرگونی فضاهای شهری در این مقطع تاریخی پرداخته است؛ با این حال اشاره‌ای به بحث فضاهای هندسی نشده است، لذا در پژوهش حاضر به بررسی این مسئله پرداخته می‌شود.

درباره روش انجام این پژوهش باید گفت، این پژوهش با تکیه بر نوعی تاریخ پژوهی تحلیلی - تفسیری، در ۳ مرحله تدوین شده است. در مرحله اول، با روش توصیفی - تحلیلی مفهوم و عملکرد میدان در تاریخ شهرهای ایرانی و ایرانی - اسلامی از تمدن ماد تا دوره ایلخانی، با توجه به سبک‌های معماری، و بر مبنای مستندات مکتوب، مورد توجه قرار می‌گیرد. در مرحله دوم با روش فراتحلیل، ۱۲۰ مطالعه‌ی مرتبط با شهرسازی ایرانی - اسلامی با هدف

تشخیص اهمیت میدان به عنوان عنصری واجد اهمیت و تأثیرگذار در بین عناصر و ساختار شهری، از دید صاحب‌نظران حوزه‌ی شهرهای ایرانی-اسلامی، با ابزار کتابخانه‌ای تحلیل می‌شود و در مرحله سوم، با روش تاریخ پژوهی، با تبیین فرایندهای تاریخی، روند ظهور اولین فضاهای شهری بزرگ مقیاس هندسی در شهرهای ایرانی-اسلامی را نشان می‌دهد.

۱. فضاهای عمومی در کرونولوژی سبک‌های معماری - شهرسازی ایران

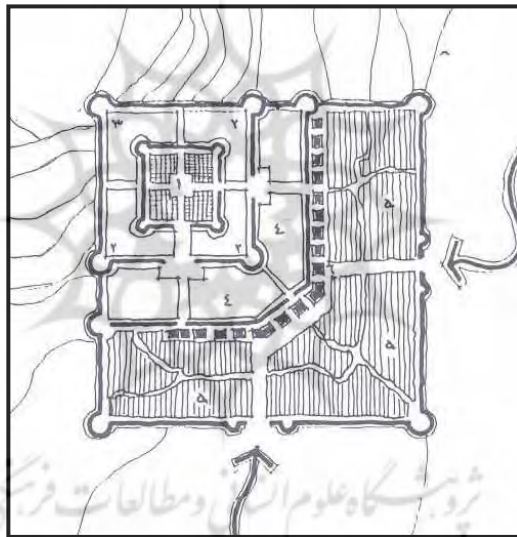
۱.۱. شیوه پارسی

این شیوه از قرن نهم ق.م با ساختن اولین «شار» مادی الهام گرفته از «شهر-تپه‌های» بین‌النهرین (زیگورات) شروع شده و با شکوفائی شارهای پارسی در شوش، استخر، پاسارگاد و... به اوج خود می‌رسد (حبیبی، ۱۳۸۲: ۲). شهر مادی در حقیقت عبارت است از: ۱- کهندژ (کاخ حکومتی) که در موقعیت سوق‌الجیشی مکان‌یابی شده است و داخل آن به دقت طراحی شده است. ۲- سکونتگاه‌های زیستی اطراف کهندژ در راستای مسیرهای اصلی (شارستان و رض). براساس شاخص‌هایی که در مدخل مبحث بیان شد، با وجود فضاهای بزرگ مقیاس و هندسی و طراحی شده داخل کهندژ، آن‌ها را به هیچ روی نمی‌توان فضای شهری عمومی نامید. کهندژ مجموعه‌ای از کاخ‌ها، دیوان‌ها و مراکز حکومتی بوده که دور تا دور آن را حصاری در بر می‌گرفته است و ورود و خروج از آن طبق ضوابط خاصی میسر بوده است. نمونه بارز آن شهر هگمتانه، پایتخت ماد است که توسط دیاکو در ۷۰۸ پیش از میلاد، ساخته می‌شود. زیستگاه اصلی شهر که محل سکونت عامه مردم بوده به تدریج، و کاملاً ارگانیک شکل می‌گرفت، بنابراین فضاهای شهری داخل آن نیز از لحاظ شکل، غیر هندسی بوده‌اند. با توجه به ساختار اجتماعی، سیاسی، بومی ایران، آشکار است که بافت‌های ارگانیک شهری کاملاً درهم تنیده و فشرده باید شکل می‌گرفته‌اند. بنابراین فضای شهری (که مخصوص عامه مردم باشد)، به مسیرهای تردد باریک قابل دفاع و یا فضاهای کوچک مقیاس محله‌ای خلاصه می‌شد (تصویر شماره ۱).



تصویر شماره ۱: ساختار شهر مادی (حبیبی، ۱۳۸۲: ۸).

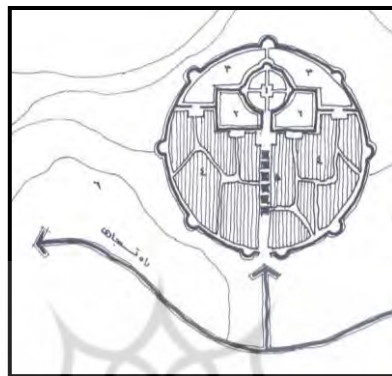
در دوره هخامنشی، حصار طراحی شده شهر، محدودهٔ سکنی عامه مردم را دربر می‌گیرد «پارسیان محل اقامت خود را از روی نقشه‌ای بنا می‌کردند که توسط مذهب (موبدان) تقدیس شده بود و سنت‌های اجدادی به آن‌ها آموخته بود و از آن نقشه به هیچ وجه تجاوز نمی‌کردند. شهر مربعی بود (به طول یک میدان که اسب به میل خود و به یک نفس بدود) (حدود ۷۰۰×۷۰۰ متر). در وسط آن آتش را به منزله حافظ حقیقی مکان می‌افروختند و در کنار آن حوض یا آبگیری به نسبت جمعیتی که در آن سکنی می‌گزیدند، حفر می‌کردند و آب انبار می‌ساختند، پس از اتمام ساختمان آتشکده و آب انبار، به بنای خانه مشغول شده و سپس به ایجاد باغ و بستان می‌پرداختند (سلطانزاده، ۱۳۹۰: ۲۴). آنچه که از شهرسازی دوران هخامنشی به جا مانده (مانند مجموعه تخت جمشید یا تپه ی تخت سلیمان)، کهنه‌دژی است شامل مجموعه‌ای از کاخ‌ها و فضاهای مرتبط و مورد نیاز آن‌ها که به دقت طراحی و اجرا شده است (تصویر شماره ۲).



تصویر شماره ۲: ساختار شهر هخامنشی (حبیبی، ۱۳۸۲: ۱۵).

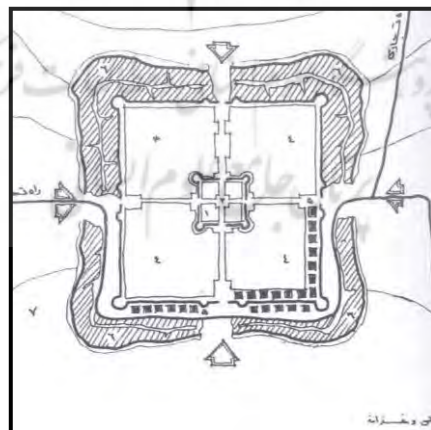
همچون شهرسازی مادی، فضای مورد استفاده عامه مردم کاملاً ارگانیک ساخته می‌شد، با این تفاوت که سکونتگاه مردم در داخل حصار شهر قرار می‌گیرد و شاید شبیه روستاهای کنونی یعنی روستاهای نسبتاً بزرگ قابل تصور باشد به حمله اسکندر و پس از آن استیلای یونانیان و ویرانگری آنان در شهرهای بزرگ، منجر به ساخت نوشهرها توسط یونانیان، در جهت سلطه بیشتر آنان بر ایران می‌شود که در عمل به امتزاج فرهنگی ایران و یونان می‌انجامد. در این نوشهرها است که به تقلید از آگوارها و فرم‌های یونانی «برای نخستین بار مفهوم میدان در شهر رنگ می‌گیرد (حبیبی، ۱۳۸۳: ۲۰-۱۸). با این وجود عملکرد پیرامون میدان، همان عملکرد کالبد اصلی در کهنه‌دژ هخامنشی است، که مکان خودنمایی و اعتبار دولت سلوکی است. بنابراین با توجه به شاخص عملکرد پیرامونی، این فضا نیز، فضای عمومی شهر (تحت تصرف عام) محسوب نمی‌شود. لازم به ذکر است که در این دوره شبیه دوره مادی، شهر با حصار و بارو،

فقط شامل مجموعه حکومتی می‌شود و زندگی مردم عامه در خارج از باروهای شهر، ارگانیک‌وار شکل می‌گیرد. در دوره اشکانی نحوه استقرار کالبد درونی شهر اختلاطی از شهرهای هلنی و هخامنشی است. کاخ شاه، خزانه و اقامتگاه نزدیکان فرمانروا، طراحی شده و محل اقامت عامه مردم ماهیتی لندام‌وار دارد. میدان به جا مانده از دوره هلنی در قسمت اشراف زادگان و روحانیان واقع می‌شود که طبیعی است مورد استفاده روزمره عامه مردم نبوده، بنابراین نمی‌توان نام فضای شهری را طبق شاخص عملکرد پیرامونی بر آن نهاد (تصویر شماره ۳).



تصویر شماره ۳: ساختار شهر اشکانی (حبیبی، ۱۳۸۲: ۲۷).

در دوره ساسانی، همانند دوره‌های پیشین، شهرسازی در طراحی کهنه‌تر و شارستانی خلاصه می‌شود که دارای حصار و بارو است و طبقات ممتاز جامعه (جمعیت حداثی) در آن ساکن هستند. اغلب شارستان، شطرنجی کامل است و یادآور کالبد پاسارگاد در دوران هخامنشی است (تصویر شماره ۴).



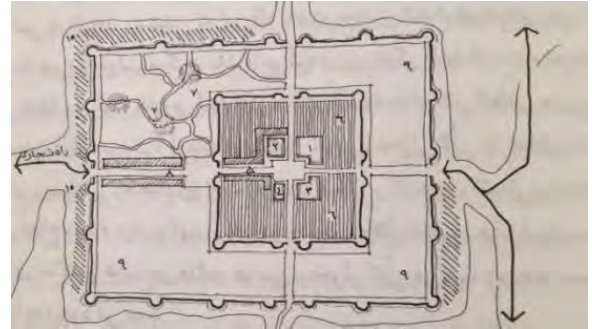
تصویر شماره ۴: ساختار شهر ساسانی (حبیبی، ۱۳۸۲، ۲۲).

آنچه به عنوان میدان (فضای باز عمومی شهری) نامیده می‌شود، در حقیقت فضایی گسترده، باز و اندام‌وار در جلوی دروازه‌های شارستان است. این فضای شهری برای اولین بار دارای ۲ شاخص اصلی مقیاس و عملکرد مناسب فضای شهری عمومی می‌شود^۱ ولیکن هنوز شکل هندسی نداد و «از دیدگاه ریخت‌شناسی فضائی خاص را سبب نمی‌گردد» (همان: ۳۴). در این دوره، عناصر نیمه مستقل تشکیل‌دهنده زیرمجموعه سازمان فضایی شهر بوده‌اند که شامل بخش‌هایی برای عبادت و امور اداری و اقتصادی، زندگی طبقات برگزیده و طبقات میانی بوده است. طبق نظریه برخی محققان «شهرها بر طبق نقشه منظم بنا گردیده‌اند. همیشه با حصار مستحکم محصور می‌شدند. به مناطقی با کاربردهای متفاوت تقسیم می‌شدند. منطقه کار و تجارت مردم عادی از منطقه دولتی با بناهای کشوری مانند اداره، معبد و کاخ جدا بوده است. از آنجا که کاهنان زرتشتی نقش مهمی در اداره اجتماعی مناطق وسیع برعهده داشتند، معابد به موازات وظایف مذهبی، امور مدیریت را نیز انجام می‌دادند. در کنار آن‌ها نمایندگان شخصی و نظامی مقامات دولتی به منطقه رسمی شهر ساسانی تعلق داشته‌اند (هوف، ۱۳۶۵: ۱).

۲.۱. شیوه خراسانی

فتح ایران در قرن هفتم میلادی (حدود سال ۶۵۰ ه.ق.) توسط مسلمانان که جهان‌بینی جدیدی مبتنی بر برابری ارائه می‌دادند، سبب می‌شود که امتیازات خاص شهر برچیده شود و بدین قرار تفاوتی بین شهر و ده، جز تفاوت‌های کالبدی ناشی از جمعیت، استقرار دیوان‌ها، جامع و... نداشته باشد. با توجه به این که تبلور دولت اسلامی به لحاظ ذهنی، اجتماعی و کالبدی در مسجد صورت می‌گیرد، بنابراین وجود مسجد جامع به یکی از مشخصات اصلی شهر دوره اسلامی تبدیل می‌گردد. از این رو «نخستین مکانی که به هنگام فتح یک شهر ساخته می‌شود و معبد، یا کلیسایی بدان منظور تغییر شکل می‌یابد، مسجد جامع است (حبیبی، ۱۳۸۲: ۴۲). از آنجا که، کالبد مسجد جامع علاوه بر نقش مذهبی، کلیه امور اجتماعی و سیاسی را نیز برعهده دارد، می‌توان چنین در نظر گرفت که فضای عمومی شهر در این دوران، همان مسجد جامع بوده است. به عبارت دیگر، مهم‌ترین مباحث ساختاری در شهرهای اسلامی مرتبط با صحن و عملکرد مسجد است که می‌توان از آن به عنوان میدان و فضای عمومی شهر یا تنها مکان تعاملات اجتماعی یاد کرد. بر این اساس در میان بافت پراکنده شهرهای سنتی و اسلامی ایران، تنها فضای کالبدی که اجازه حضور جمعی مردمی و فرصت‌های مردمسالارانه دینی را برای مسلمانان پدید می‌آورد، میدان یا صحن مساجد جمعه یا جامع بوده است (خوشنویس، ۱۳۸۵: ۱). لیکن با گسترش اسلام و فعالیت‌های مسلمانان عملکردهای سیاسی، قضایی، آموزشی و... از مسجد جدا شده و هرکدام مکان خاصی را به خود اختصاص دادند (امینی و منتظرالقائم، ۱۳۸۸: ۶۵-۸۰). در نتیجه، این فرایند منجر به قلب ماهیت حیاط مساجد به عنوان فضای شهری عمومی گردید. قلب ماهیتی که در شهرهای ایرانی-اسلامی بدیل مشخصی نیافت (تصویر شماره ۵).

۱. مقیاس آن به گونه‌ای است که بازارها بدان باز می‌شوند و تظاهرات اجتماعی - اقتصادی درهم می‌آمیزد (حبیبی، ۱۳۸۲: ۳۴).



تصویر شماره ۶: ساخت شهر در دوره سلجوقی (حبیبی، ۱۳۸۲: ۸۷)

تصویر شماره ۵: ساخت شهر در اوایل اسلام (حبیبی، ۱۳۸۲: ۶۷)

در دوره دوم شیوه خراسانی، مبانی اصلی اسلام مبنی بر برابری و برادری در امور اجتماعی و سیاسی به دست فراموشی سپرده می‌شود. این امر تبلور خود را در کالبد شهر باز می‌یابد. در این دوره بغداد به عنوان الگوی سایر شهرهای اسلامی پی افکنده می‌شود. «به شکل دایره در کناره دجله، ۴ دروازه با شکوه و بزرگ که به ۴ راه اصلی کاروان رو باز می‌شدند... و به میدان بزرگ شهر می‌رسیدند که در میانه آن کاخ خلیفه و مسجد جامع بنا گشته بود... و در پیرامون آن‌ها هیچ بنائی جز ساختمان‌های نگهبانی قرار نداشت... در اطراف میدان، خانه‌های امرا و نزدیکان خلیفه و دیوان‌ها قرار داشت» (حبیبی، ۱۳۸۲: ۵۵). کهن‌دژ نیز این چنین به روز می‌شود: «دژی که محل استقرار دولت و دیوان‌ها بود و معبدی در کنار خود داشت و در بارو محصور شده بود» (همان: ۵۶). بنابراین به نظر می‌رسد در سازمان فضائی نیز این دوره نیز (تصویر شماره ۶)، شاخص عملکرد پیرامونی، ماهیت فضای محصور را از عمومی بودن (نوع عملکرد و دسترسی آزاد) دور می‌سازد، فضایی عمومی خوانده می‌شود که هم در ساختار عملکردی و هم در کالبد فضای، بسته نباشد یعنی هم از فضای عمومی شهر باید بتوان به آسانی بیرون رفت و هم بتوان به راحتی و بدون مخاطره به درون آن راه یافت و این امر سبب تشکیل فضایی اسفنج‌گونه در اطراف مکان عمومی می‌شود، قابل انعطاف و نفوذپذیر (فلامکی، ۱۳۷۱: ۷۰).

در اواخر قرن سوم ه.ق. با انفجار ناگهانی اندیشه‌های علمی که نوعی رنسانس علمی در ایران محسوب می‌شود، شهرسازی نیز مراحل تکامل خود را طی می‌کند. در این دوره است که در شهر "میدان‌های بزرگی ساخته می‌گردد که در اطراف آن دیوان‌های مختلف، کاخ حکومتی، مسجد اعظم (اغلب مسجد جامع) و بازارها برپا می‌گردند. بارزترین نمونه به جای مانده از چنین فضاها را می‌توان در میدان کهنه اصفهان جستجو کرد (حبیبی، ۱۳۸۲: ۶۵). با این وجود، بررسی مقدماتی در میدان کهنه اصفهان نیز نشان می‌دهد که این نوع از فضای عمومی، با هندسه کامل و از پیش طراحی شده نبوده است و صرفاً فضایی باز و گسترده بوده که انواع فضاها، حکومتی، اقتصادی، مذهبی در پیرامون آن شکل گرفته است (تصویر شماره ۷).

۲. شارستان (شهر درونی)، شهر خواص و شهر دولتمردان و دیوانیان که در محدوده بلافاصله کهن‌دژ قرار داشت و خود در درون دیوارها و دروازه‌ها محصور بود (حبیبی، ۱۳۸۲: ۵۶).



تصویر شماره ۷: میدان کهنه

اصفهان (نقش جهان پارس، ۱۳۹۴):

(۶۷)

۳.۱. شیوه رازی

قرن چهارم ه.ق. (۱۱ میلادی) مترادف است با اوج دگرگونی‌ها و تجدید حیات علمی و ادبی در ایران. در این دوره شهر با مراجعه به مفاهیم اولیه شهر اسلامی، مکانی متعلق به تمامی اقشار و طبقات اجتماعی می‌گردد. از مبانی شهرسازی این دوره به‌عنوان مرجع شهرسازی و تفکر شهری کشور یاد شده است. در این دوره کالبد شهر، کماکان به دور فضای باز گشوده، غیر هندسی و کهن، به‌عنوان مثال میدان کهنه اصفهان با عملکردهای پیرامونی ۱- حکومتی و دیوانی ۲- مذهبی و فرهنگی ۳- تجاری و خدمات وابسته (عمرانی، ۱۳۸۴: ۱۴۷)، پی افکنده می‌شود و مجموعه محلات شهری بدون هیچ برتری قومی، مذهبی و نژادی و... بر اطراف مجموعه مرکزی و بازار گسترده می‌شوند (حبیبی، ۱۳۸۲: ۷۱). شاخصی که کمبود آن در فضاهای عمومی باز این دوره مشهود است، عدم غلبه هندسه کامل (مربع، دایره، مثلث) در فضای عمومی است. از آنجا که اصول شهرسازی این دوره به تدریج و در گذر زمان در دل شهرهای کهن ریشه می‌کند (به‌طور مثال، مدرسه در کنار مسجد، به تدریج مکان یابی و ساخته می‌شود و بازار به تدریج در اطراف فضاهای عمومی موجود، گسترش می‌یابد، طرحی از پیش اندیشیده با هندسه کامل، برای فضاهای شهری خارج از مجموعه‌های معماری مثل مدرسه و مسجد و... در نظر گرفته نمی‌شود، بنابراین در این شیوه نیز فقدان فضاهای شهری هندسی مشهود است. کالبد شهر در این روزگاران عبارت است از میدان اصلی و بزرگ (اغلب در میانه شهر) که در پیرامون آن کاخ‌ها، دیوان‌ها، جامع و گاه بیمارستان با نمودی غیر هندسی قرار دارد. دهانه اصلی بازار به این میدان باز شده و شاخه‌های خود را در شهر می‌گستراند و گرادگرد این مجموعه است که محلات شهری در کنار هم قرار می‌گیرند (همان، ۷۷).

۲. فراتحلیل آراء اندیشمندان حوزه مطالعاتی شهرهای ایرانی - اسلامی

نتایج پژوهشی فراتحلیلی در خصوص مقالات فارسی زبان علمی - پژوهشی با تمرکز بر شهرهای ایرانی - اسلامی (مشکینی و دیگران، ۱۳۹۸: ۱۲۵)، با تکیه بر چهار منبع علمی "پایگاه مجالت تخصصی نور"، "مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی"، "بانک اطلاعات نشریات کشور" و "پرتال جامع علوم انسانی"، در بازه زمانی ۱۳۵۳ تا ۱۳۹۴، و نتایج فراتحلیل مقالات فارسی زبان علمی - پژوهشی با تمرکز بر شهرهای ایرانی - اسلامی، با استناد به "مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی"، از سال ۱۳۹۴ تا ۱۴۰۰ با هدف سنجش اهمیت میدان، به عنوان یکی از عناصر سازمان دهنده در استخوانبندی شهر، در گام اول نشان می دهد که تمرکز محتوایی این مطالعات در ۱۱ دسته اصلی قابل طبقه بندی است: ۱. معنا، مفهوم و تعاریف شهرهای ایرانی اسلامی (نقی زاده، ۱۳۸۷؛ نقی زاده، ۱۳۸۰؛ بمانیان، ۱۳۹۳؛ مردانی، ۱۳۹۴؛ پورجعفر و پورجعفر، ۱۳۹۴). ۲. ویژگی های تاریخی سازمان فضایی حیات شهری شهر ایرانی اسلامی (اشرف، ۱۳۵۳؛ اشرف، ۱۳۶۰؛ مومنی، ۱۳۷۸؛ یوسفی فر، ۱۳۸۴؛ منصور، ۱۳۸۶؛ رضوی، ۱۳۹۲؛ خللدیان و همکاران، ۱۳۹۳؛ هدایت، ۱۳۷۵؛ بلالی اسکویی و همکاران، ۱۳۸۹؛ زارعی، ۱۳۹۰؛ بهزادفر و رضوانی، ۱۳۹۴؛ موقر و همکاران، ۱۳۹۴؛ بلیان اصل و ستارزاده، ۱۳۹۴؛ حبیب و حسینی نیا، ۱۳۹۴). ۳. اصول، قواعد و الگوهای شهر ایرانی اسلامی (حبیبی و همکاران، ۱۳۹۰؛ طبیبیان و همکاران، ۱۳۹۰؛ زی زیاری و همکاران، ۱۳۹۳؛ کیانی و باباعباسی، ۱۳۹۴؛ مشکینی و همکاران، ۱۳۹۴؛ منصور و عرب سلغار، ۱۳۹۴؛ غلامی و همکاران، ۱۳۹۴؛ مسعود و بابائی سالانقوج، ۱۳۹۴؛ بهزاد فر و رضوانی، ۱۳۹۴).

۱- هویت شهر ایرانی اسلامی (منصورنژاد، ۱۳۸۳؛ سلسله و سلسله، ۱۳۸۸؛ رضوی پور و همکاران، ۱۳۹۱؛ حبیبی و روحانی چولائی، ۱۳۹۴؛ موحد و همکاران، ۱۳۹۱؛ مختاری ملک آباد، ۱۳۹۲؛ چنگیزی و احمدیان، ۱۳۹۲؛ دانشپور و شیر، ۱۳۹۴؛ حبیبی و همکاران، ۱۳۹۴).

۲- تحولات اجتماعی - فرهنگی در شکل بندی و ساختار فضایی شهر ایرانی اسلامی با تمرکز بر تأثیرات فرهنگی (مؤمنی، ۱۳۶۵؛ زیاری، ۱۳۸۲؛ نقی زاده و همکاران، ۱۳۸۹؛ کمیلی و همکاران، ۱۳۹۲؛ مشکینی و رضایی مقدم، ۱۳۹۳؛ عیوضی و همکاران، ۱۳۹۴؛ بریمانی و شعاع برآبادی، ۱۳۸۸) و با تمرکز بر تحولات اجتماعی (یوسفی فر و محمدی، ۱۳۸۸؛ تقوی، ۱۳۸۹؛ اهری، ۱۳۹۴).

۳- تأثیرات مدرنیسم بر شهر ایرانی - اسلامی (یزدانی و پورمحمد، ۱۳۸۶؛ متولی و شیخ اعظمی، ۱۳۹۲؛ حاتمی نژاد، ۱۳۹۳؛ پور احمد و همکاران، ۱۳۹۰؛ حبیبی و روحانی چولائی، ۱۳۹۴).

۴- وقف (شاه حسینی، ۱۳۷۷؛ شهابی، ۱۳۸۳؛ کلانتری خلیل آبادی همکاران، ۱۳۸۹؛ عسکری و بغدادی، ۱۳۹۴؛ شاه حسینی، ۱۳۷۵؛ پوراحمد و همکاران، ۱۳۹۲؛ مهرفزون و داریش، ۱۳۹۲).

۵- مهمترین عناصر کالبدی شهر ایرانی اسلامی با محوریت محله (انصاری، ۱۳۸۱؛ باستانی راد، ۱۳۹۱؛ گودرزی سروش و همکاران، ۱۳۹۱؛ بحری مقدم و یوسفی فر، ۱۳۹۲؛ لطیفی و صفرچابک، ۱۳۹۲؛ سلطانی و همکاران، ۱۳۹۰؛ پورجعفر و پورجعفر، ۱۳۹۱؛ امیرفخریان و همکاران، ۱۳۹۴؛ غلامی و همکاران، ۱۳۹۴).

- ۶- مهمترین عناصر کالبدی شهر ایرانی اسلامی با محوریت میدان (جابر و طیبی، ۱۳۹۰؛ عباس زاده و گوهری، ۱۳۹۳، ابراهیمی، ۱۳۸۸، نژادستاری، ۱۳۹۰)
- ۷- مهمترین عناصر کالبدی شهر ایرانی اسلامی با محوریت عناصر مذهبی (عمادی، ۱۳۷۷؛ امین زاده، ۱۳۷۸؛ حمزه نژاد و زرین قلم، ۱۳۹۱؛ حسینی، ۱۳۸۷؛ منصور ۱۳۸۹؛ همتی و همکاران، ۱۳۹۲؛ وحیدزادگان و همکاران، ۱۳۹۲؛ اعظمی و همکاران، ۱۳۹۳؛ کلانتری خلیل آباد و همکاران، ۱۳۹۳؛ حسینی زاده و میرنژاد، ۱۳۹۴؛ نثاری و همکاران، ۱۳۹۴)
- ۸- مهم‌ترین عناصر کالبدی شهر ایرانی اسلامی با محوریت بازار (رجبی و سفاهن، ۱۳۸۸؛ سرائی، ۱۳۸۹؛ ایران‌دوست و بهمنی اورامانی، ۱۳۹۰)

در گام دوم، تحلیل مطالعات متمرکز بر عناصر کالبدی شهر ایرانی اسلامی با محوریت میدان نشان می‌دهد که با وجود تعداد بسیار کم مطالعات متمرکز بر میدان، به عنوان یکی از عناصر کلیدی شهر ایرانی اسلامی، یعنی معادل ۴/۱ درصد از کل مطالعات، از لحاظ محتوایی نیز، پژوهش‌ها، یا بر یکی از ساختارهای کالبدی - اقتصادی - اجتماعی شهر ایرانی اسلامی متمرکز است و میدان، نقش جزئی نسبت به کلیت آن ساختار دارد و یا تمرکز بر ابعاد چندگانه‌ی میدان‌های بعد از زمان ایلخانیان است که میدان در مفهوم اصلی آن یعنی محل ثقل تظاهرات و تعاملات اجتماعی، با عملکرد پیرامونی عمومی، و در مقیاس شهر و اغلب در شکل هندسی مشخص، ایجاد شده است گویا که از ابتدای شکل‌گیری میدان در شهرهای ایرانی اسلامی دارای همین ویژگی‌ها بوده‌اند.

۳. ماهیت شناسی ابعاد موثر دوره ایلخانی در شکل‌گیری فضاهای عمومی بزرگ مقیاس هندسی

یورش مغول در قرن هفتم ه. ق. (۱۳ و ۱۴ میلادی) نقطه پایانی بر نوعی از تحول شهرسازی و ابداع مجدد این مفهوم بر گونه‌ای دگر است. مغول بنیان‌های سازمان شهری کشور را از هم می‌گسلد و شهرگرایی در ایران را نزدیک به یک قرن بی‌معنا می‌سازد. در حقیقت تفکر بیابانگردی مغول در تقابل با اندیشه پیشروانه شهرنشینی ایرانی قرار می‌گیرد و آن را مغلوب خود می‌سازد، که این امر عملاً به ویرانی تمامی شهرهای بزرگ می‌انجامد. از دید این حاکمان، اجتماعات اسکان یافته اعم از آنکه داخل شهرها بودند یا در روستاها به سر می‌بردند، انسان‌های پستی بودند که صرفاً به درد استثمار و بهره‌کشی می‌خوردند. حاکمیت جدید در داخل چادرهای خود در خارج از شهرها زندگی می‌کردند و در مجموع خود را از آمیزش با اجتماعات، دور نگه می‌داشتند (زیباکلام، ۱۳۷۹: ۱۴۷) اما علی‌رغم همه ویرانی‌ها و نسل‌کشی‌ها، با گذر یک نسل، و قطع ارتباط نسل مهاجم با طوایف هم وطن، مغول را وا می‌دارد که به ایجاد پایگاه‌های حکومتی در سرزمین تحت سلطه بپردازد. ولی از آنجا که الگوهای کهن و اعلی شهرسازی چون شیراز، اصفهان، بخارا، بلخ، سمرقند و... به تمامی نابود گشته‌اند و بیش از صد سال از فروپاشی نظام شهر - منطقه‌ای ایران می‌گذرد، خانان مغول که تا این زمان به شیوه عشایری در چادرهای سنتی خود و در چمن‌های اطراف شهرها سکنی می‌گزیدند، با اندیشه تأسیس دولت و برقراری نظام واحد حکومتی، به یکجانشینی و استقرار در شهر روی می‌آورند. از سوی دیگر با توجه به شدت ویرانی‌ها در شهرهای به‌جا مانده، برای اولین بار در تاریخ ایران در دوران ایلخانیان و حکومت غازان خان

نوشهرهایی با نظام شهرسازی مبتنی بر طرح‌های از پیش اندیشیده شده در جهت استقرار عامه مردم شکل می‌گیرد. نوشهرهایی همچون شب غازان، ربع رشیدی، سلطانیه و غیره.... آنچه این نوشهرها را از نوشهرهای دوران هلنی متمایز و برتر می‌سازد، طراحی این مجموعه‌های شهری برای سکونت عامه مردم است.^۳

۴. تجلی اولین فضاهای عمومی بزرگ مقیاس هندسی در شهرهای ایرانی - اسلامی

حکمرانان حکومت ایلخانی در پی ایجاد دولت و دیوان، و نیز استقرار در شهر و گسترش نظام شهرسازی در جهت تثبیت حکومت از سویی و نمایش عظمت و اقتدار حکمرانی مغول و استیلای بیشتر بر مردم از سوی دیگر، یا به ساخت و ساز مجموعه‌های معماری-شهری در داخل شهر و یا به ساخت نوشهرها بر پایه طرح‌های از پیش اندیشیده می‌پردازند. آنچه به نحوی بارز در تاریخ شهرسازی در این نوع شهرها تبلور می‌یابد، فضاهای باز شهری و هندسی است که عملکرد پیرامون آن نیز مورد استفاده عامه می‌باشد و محدودیت دسترسی و عملکردی در آن وجود ندارد. میدان با سیمای هندسی، عملکردی عمومی و چندبُعدی و مقیاسی وسیع در حوزه شهر، برای اولین بار در شهرهای ایرانی-اسلامی، شکل می‌گیرد. پیش از آن میدان عمومی به فضایی فاقد نظم هندسی یا عناصر خاص به عنوان بدنه مستقر در مدخل شهر و با کاربری اطراق کاروان‌ها، انجام مبادلات تجاری، بر پای نمایش‌ها و آیین‌ها و ورزش‌ها، اطلاق می‌شده است (نقی زاده، ۱۳۸۵، ۱۶). اگرچه در برخی از سفرنامه‌ها که در مقاطع مختلف زمانی در مورد شهرهای ایران نگاشته شده‌اند، بنا به مورد از میدان‌های شهری ذکری اجمالی به میان آمده است اما عموماً میدان، به عنوان عنصر شهری مهمی که جزئیات کالبدی و فضایی و عملکردی آن و همین‌طور نقش آن در ساختار شهر حائز اهمیت باشد (آنگونه که در مورد میادین شهرهای غربی معمول است^۴)، مطرح نشده است (همان). با این مقدمه می‌توان گفت که عصر ایلخانی، سرآغازی برای تولد مجموعه‌های معماری و فضاهای مستقل شهری به نام ابواب‌البر (ترکیبی از مجموعه‌های علمی- مذهبی - تجاری) است (شکاری، ۱۳۸۴، ۷۴). هسته اولیه این مجموعه‌های شهری میدان عظیم هندسی در مقیاس شهر است که فضاهایی چون مدرسه، مسجد جامع، مقبره بانی، دارالشفاء، رصدخانه؛ بیت الکتب، دارالسیاده (جهت پذیرایی از سادات)، بازار و... در اطراف آن جانمایی می‌شوند. بنابراین فضای باز میدان سه شاخص اصلی مبحث یعنی مقیاس شهری، وجود هندسه کامل (تمامی میدان‌های به جا مانده از این دوران شکل کامل هندسی دارند) و کاربری عمومی پیرامونی، (عدم محدودیت در دسترسی و عملکرد) را دارا می‌باشند. ایده اولیه این مجموعه شهری با الهام از مزار اولیا، همچون زیارتگاه‌های ائمه در طوس، تربت سلطان بایزید و ابوالحسن خرقانی و زیارتگاه امامان شیعه در عراق شکل می‌گیرد (همان: ۷۶). باتوجه به نیاز حکمرانان مغول جهت نمایش اقتدار و عظمت خود، این مجموعه‌ها با تأثیر کالبدی

^۳. نظام شکل‌گیری شهرهای هلنی چون شار پارسی و دولت شهر یونانی، مرکز استقرار طبقات ممتاز اجتماعی است و دیگر مردمان نه در شهر بلکه در نقاط زیستی اطراف شهر سکنی می‌گیرند (حبیبی، ۱۳۸۲: ۲۰).

^۴. آگورا در همه حال، فضایی محدود و مشخص برای برگزاری آزادانه روابط اجتماعی و فرهنگی میان شهروندان بوده و همیشه از این دو خصیصه اصلی برخوردار بوده است: سرپوشیده نبودن و محدود بودن (فلامکی، ۱۳۷۱: ۶۰).

از بقایای به جامانده از تخت جمشید و آثار مشابه، با مقیاسی وسیع و در اندازه‌های بسیار بزرگ طراحی می‌شوند. هسته اصلی این مجموعه‌های شهری بر خلاف شهرسازی پیش از خود، برای اولین بار با تفوق فضا بر توده و با فرم کامل هندسی فضا شکل می‌گیرد. از مهم‌ترین این مجموعه مقابر که در حقیقت واحد اصلی شهری هستند؛ مجموعه امیر چخماق در یزد، میدان حسن‌پادشا در تبریز، مجموعه شیخ بسطام، مجموعه شیخ صفی اردبیلی و مجموعه شیخ احمد جام است. در تمامی آثار مذکور، ارسنی بزرگ مقیاس و هندسی به عنوان مرکز مجموعه وجود دارد که عملکردها و کالبدهای متنوعی پیرامون آن شکل می‌گیرد و با تبعیت از هندسه ارسن، طراحی می‌شود. این عملکردها از مدرسه تا مقابر، طیف‌ها و طبقات اجتماعی مختلفی را در خود جای می‌دهند، به گونه‌ای که ارسن، فضایی مناسب جهت گردآمدن اقشار مختلف اجتماعی در ساعات مختلف شبانه‌روز است که از عملکردهای پیرامونی آن بهره می‌جویند. این میدان‌های بزرگ مقیاس هندسی، با عملکردهای متنوع و عمومی پیرامونی، خاستگاه میدان‌های اصلی پس از آن می‌گردند. به‌طور مثال، میدان نقش جهان که از دوران صفویه تا به امروز از اهمیتی جهانی برخوردار است، ریشه در فرم کالبدی و عملکردی مجموعه‌های شهری دوران ایلخانی دارد (تصویر شماره ۸).



تصویر شماره ۸: میدان نقش جهان

(نقش جهان پارس، ۱۳۹۴: ۱۵۳)

(

جدول شماره ۱: باز خوانی ۳ شاخص پژوهش در فضاهای باز شهری از آغاز شهرنشینی تا حکومت ایلخانیان. ماخذ: نگارندگان

| سبک | سلسله حاکم | مقیاس | عملکرد کالبد پیرامونی | فرم کالبدی | نسبت توده به فضا |
|---------|------------|-------|-----------------------|------------|------------------|
| پارتی | ماد | شهری | تک عملکردی | هندسی | تقدم توده بر فضا |
| | هخامنشی | شهری | تک عملکردی | هندسی | تقدم توده بر فضا |
| | اشکانی | شهری | تک عملکردی | هندسی | تقدم توده بر فضا |
| خراسانی | دوره اول | شهری | چند عملکردی | - | تقدم توده بر فضا |
| | دوره دوم | شهری | تک عملکردی | - | تقدم توده بر فضا |
| رازی | شهری | شهری | چند عملکردی | غیر هندسی | تقدم توده بر فضا |
| | آذری | شهری | چند عملکردی | هندسی | تقدم فضا بر توده |

نتیجه گیری

مطالعات عمیق تر در فرایند و محصول شکل گیری شهرهای ایرانی- اسلامی، نشان می دهد که علاوه بر شرایط اقلیمی، ساختارهای سیاسی- اجتماعی به طور مستقیم بر مظاهر شهرسازی اثر می گذارد. حتی اگر به ظاهر در لایه های عمیق تری قابل مشاهده باشد. این اثرگذاری، در روند شکل گیری فضاهای عمومی که خود مبحثی جامعه شناختی ست، بارزتر می نماید. هم از این روست که بنیان های فکری پدرسالارانه قریب به اتفاق حکومت های حاکم بر سرزمین ایران، اکثراً با خاستگاه ها و ساختارهای قبیله ای (که در آنها اطاعت از فرامین پیر یا رئیس قبیله، امری ضروری است)، از آنجا که حقی برای نظر مردم قائل نیست. در نتیجه فضایی نیز به تظاهرات و نمودهای اجتماعی و نهادی در شهر اختصاص نمی دهد. دقیقاً برعکس آنچه در تمدن های برتر همزمان یعنی یونان و رم، به صورت آگورا و فوروم، در عرصه واقعی شهر، فرصت تجلی می یابد. بنابراین منطقی می نماید که با امتزاج تمدن ایران و یونان، بعد از حمله اسکندر به ایران، به تدریج شاهد شکل گیری، محدوده های باز و عمومی، البته هنوز ابتدایی و اولیه در شهرها باشیم. در مرحله بعد، گسترش جهان بینی اسلامی با تئوری های برابری و برادری در ایران، و برابر شدن مردم عام با طبقات ممتاز اجتماعی و اهمیت یافتن ربض، سبب می شود این فضای باز عمومی به تدریج با مقیاس های بزرگ تر در ساختارهای شهرهای ایرانی- اسلامی راه یابد. ولی از آنجا که رشد شهرنشینی بسیار آهسته است، فضاهای عمومی به تبعیت از سایر ساختارهای شهری، به تدریج و اندام وار و بدون طرح های از پیش اندیشیده، شکل می گیرد. در مرحله آخر، و بعد از ویرانی تقریباً سراسری و غیرقابل احیا شهرهای ایرانی- اسلامی بعد از حمله مغولان به ایران، و در نتیجه ضرورت ساخت شهرهایی جدید که همزمان نمایانگر شکوه حاکمان نیز باشد، نوعی از فضاهای عمومی بزرگ مقیاس با هندسه کامل بر مبنای طرح هایی که شاید بتوان طرح جامع نامیدشان، ایجاد می شوند. فضاهای عمومی که با عملکردهای عمومی محاط شده اند، در مقیاس شهر عمل می کنند و از هندسه قائم الزاویه برخوردارند و مبنایی برای شکل گیری شهرهای ایرانی- اسلامی پس از خود در تمام سرزمین می شوند.

منابع:**کتاب‌ها:**

- اردلان، ن. (۱۳۷۹). بختیار، لاله، حس وحدت، اصفهان، انتشارات خاک.
- باسورث، ک.ا و دیگران. (۱۳۸۵). تاریخ ایران کمبریج از آمدن سلجوقیان تا فروپاشی دولت ایلخانان (پژوهش دانشگاه کمبریج، جلد پنجم)، گردآورنده: ج.آ. بویل، ترجمه حسن انوشه، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- پاکزاد، ج. (۱۳۸۴). راهنمای طراحی فضاهای شهری در ایران، تهران: انتشارات وزارت راه و شهرسازی.
- پیرنیا، م. (۱۳۸۶). سبک‌شناسی معماری ایرانی، انتشارات سروش دانش.
- پیندر، ویلسن. (۱۳۷۸). معماری دوره تیموری. تاریخ ایران، دوره تیموریان، پژوهش از کمبریج، ترجمه یعقوب آژند، تهران: جامی.
- حبیبی، م. (۱۳۸۲). از شار تا شهر. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- زیبا کلام، ص. (۱۳۷۹). ما چگونه، ما شدیم؟ ریشه‌یابی علل عقب ماندگی در ایران، تهران: انتشارات روزنه.
- سلطانزاده، ح. (۱۳۹۰). تاریخ مختصر شهر و شهرنشینی در ایران، تهران: انتشارات چهارطاق.
- عمرانی، م. (۱۳۸۴). در جستجوی هویت شهری، تهران: انتشارات وزارت مسکن و شهرسازی.
- فلامکی، م. (۱۳۷۱). شکل‌گیری معماری در تجارب ایران و غرب، تهران: انتشارات نشر فضا.
- کیانی، ی. (۱۳۶۸). شهرهای ایران، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- ویلبر، د. (۱۳۶۵). معماری اسلامی ایران در دوره ایلخانی، ترجمه عبدالله فریاد، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- هوف، د. (۱۳۶۹). شهرهای ساسانی در نظری اجمالی به شهرنشینی و شهرسازی در ایران، ترجمه: رحیم صراف، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.

مقالات:

- ابراهیمی، م. (۱۳۸۸). میدان، فضاهای تعریف نشده شهرهای ایرانی. هویت شهر، ۳(۴)، ۱۰۷-۱۲۰.
- اسدی محل چالی، م؛ پیربابایی، م. و مقصودی، م. (۱۳۹۸). تبیین فرهنگ جنسیتی فضا در گذرهای شهر اسلامی-ایرانی، نمونه پژوهش پیاده راه تربیت تبریز. دانش شهرسازی، ۳(۱)، ۱۵-۳۱.
- اشتری فرد، ح؛ صالحی امیری، س، و شهریاری، م. (۱۳۹۷). طراحی الگوی سبک زندگی ایرانی-اسلامی شهروندان شهر تهران. پژوهشنامه نظم و امنیت انتظامی، ۱۱(۱) (پیاپی ۴۱)، ۱۵۷-۱۸۴.
- اهری، ز. (۱۳۹۴). شناسایی ساختار ثانویه شهر ایرانی در دوره قاجاریه. معماری و شهرسازی (هنرهای زیبا)، ۲۰(۲)، ۲۳-۳۴.
- بیلان اصل، ل؛ ستارزاده، د. (۱۳۹۴). مقایسه گستردگی شهر تبریز در دوره‌های ایلخانی، صفوی و قاجار با استناد بر مستندات تاریخی. هویت شهر، ۹(۲۱)، ۵۷-۷۰.

- بهبادفر، م؛ رضوانی، ن. (۱۳۹۴). بررسی تطبیقی هنجارهای ریخت‌شناسی شهرسازی اسلامی در بافت تاریخی، (موردکاوی: محله سرچشمه شهر گرگان). پژوهش‌های معماری اسلامی، ۱۳ (پیاپی ۶)، ۰-۰.
- پارسا، پ، میرغلامی، م، و قره بگلو، م. (۱۳۹۸). شهر مری کودک: بازتولید الگوی شهر دوست دار کودک در بستری ایرانی اسلامی. پژوهش‌های معماری اسلامی، ۱۷ (پیاپی ۲۲)، ۱۰۹-۱۳۰.
- پوراحمد، ا؛ وفایی، ا. (۱۳۹۶). تأثیر مدرنیسم بر ساختار کالبدی - فضایی شهر ایرانی - اسلامی (مطالعه موردی: شهر کاشان). مطالعات شهر ایرانی اسلامی، ۷ (۲۸)، ۶۳-۷۶.
- توکلی نیا، ج؛ صرافی، م و دستواره، ف. (۱۳۹۶). تحلیل تطبیقی رهیافت‌های مرتبط با شهر ایرانی - اسلامی. مطالعات شهر ایرانی اسلامی، ۷ (۲۸)، ۵-۲۰.
- توکلی نیا، ج و دیگران. (۱۳۹۵). تقابل شهر ایرانی - اسلامی با چالش‌های شهری هزاره سوم. مطالعات شهر ایرانی اسلامی، ۷ (۲۵)، ۵۷-۷۰.
- پیربابایی، م؛ ربیعی فر، و. (۱۳۹۷). تبیین نقش مساجد در ارتقاء سطح کیفیت زندگی ساکنین محلات شهر ایرانی - اسلامی (مطالعه موردی: مسجد حسینیه اعظم در محله حسینیه شهر زنجان). جغرافیا و توسعه فضای شهری، ۲۵ (پیاپی ۹)، ۱۰۵-۱۲۵.
- جهانبخش، ح؛ لطفی پورسیاهکلرودی، م و زکی پور، ن. (۱۳۹۶). بررسی دگردیسی ماهیت قلمرو کنش‌گری، همگانی از شهر ایرانی - اسلامی تا شهر معاصر ایرانی. مطالعات شهر ایرانی اسلامی، ۸ (۳۰)، ۳۱-۴۱.
- جهان بخش، ح؛ دل زنده، ع. (۱۳۹۵). تبیین جایگاه پیوست‌نگاری فرهنگی و بهره‌گیری از نظام مدیریت فرهنگی در شهر اسلامی - ایرانی (مبانی نظری و فرآیند فکری سازنده شهر اسلامی). پژوهش‌های معماری اسلامی، ۴ (پیاپی ۴)، ۹۱-۱۱۳.
- حبیب، ف؛ حسینی نیا، م. (۱۳۹۴). پایداری شهر از منظر شکل‌شناسی شهری (بررسی فشرده‌گی در ارگ بم). هویت شهر، ۹ (۲۱)، ۵-۱۸.
- حبیبی، ک؛ روحانی چولائی، ا. (۱۳۹۴). ارزیابی کیفی تغییر عناصر شهر کهن ایرانی به شهر مدرن در جهت احیای مکان‌های شهری با هویت ایرانی - اسلامی. مطالعات شهر ایرانی اسلامی، ۶ (۲۱)، ۵-۱۸.
- حکمت‌نیا، ح. (۱۳۹۷). سنجش میزان محرمیت خانه‌ها در راستای سبک زندگی اسلامی - ایرانی (مطالعه موردی: بافت قدیم و جدید شهر یزد). پژوهش‌های جغرافیای برنامه ریزی شهری، ۶ (۳)، ۵۸۵-۶۰۳.
- حیدری، م؛ طارمی، ع. (۱۳۹۹). گذری بر گذار ستیز محله‌ای و کاربست آن در محلات شهر ایرانی - اسلامی. دانش شهرسازی، ۴ (۱)، ۷۳-۹۶.
- چرامی، ش؛ ساروخانی، ب و ازکیا، م. (۱۳۹۷). مطالعه جامعه‌شناختی جنگ نرم در بافت‌های شهری با تأکید بر راهبردهای رسانه ملی در شهر ایرانی - اسلامی شهرزاد چرامی. مطالعات جامعه‌شناسی، ۱۰ (۳۸)، ۸۵-۱۰۰.
- دنبلی، س؛ کلانتری خلیل آباد، ح، و آقاصفری، ع. (۱۳۹۷). بازشناسی مؤلفه‌های هویت منظر شهری در شهرهای ایرانی - اسلامی، نمونه موردی شهر تهران. نقش جهان، ۸ (۴)، ۲۲۳-۲۳۰.
- دانش، ج؛ طیبی، ا. (۱۳۹۰). کیفیت حضور در میدانی شهری با تأکید بر نمونه‌های سنتی ایران. مطالعات شهر ایرانی اسلامی، ۱ (۴)، ۷۱-۸۰.

سالاری پور، ع و دیگران. (۱۳۹۷). بررسی کیفیت روابط همسایگی درون محله ایرانی اسلامی و نقش آن در دل‌بستگی به مکان؛ مطالعه موردی: محله ساغریسازان شهر رشت. مطالعات شهر ایرانی اسلامی، ۹(۳۴)، ۳۵-۴۷.

سرای، م؛ خاوریان گرمسیر، ا. (۱۳۹۷). همگام‌سازی شهر اسلامی با چارچوب‌های مدیریت شهری الکترونیک در فضای شهر ایرانی-اسلامی. شهر پایدار، ۱(۲)، ۹۷-۱۱۱.

شکاری نیری، ج. (۱۳۸۴). یافته‌هایی از طرح شب‌غازان، پدیده شهری عصر ایلخانی، مجله هنرهای زیبا، شماره ۲۴، ۷۳-۸۰.

صفوی، س؛ رضایی، م و سعادت‌مندی، م. (۱۳۹۷). کاربری اصول نوشهرگرایی مطابق با شناسه‌های شهر ایرانی-اسلامی (مطالعه موردی: محله مسکونی و قدیمی رباط کریم (رباط کهنه)). پژوهش‌های جغرافیای انسانی (پژوهش‌های جغرافیایی)، ۵۰(۴)، ۹۲۹-۹۴۴.

طلایی، م؛ انصاری، م و درج‌ور، ف. (۱۳۹۸). نقش تزئینات در بازیابی هویت ایرانی-اسلامی در جداره‌های شهری مورد مطالعاتی: راسته تاریخی بالا و پایین خیابان شهر مشهد. معماری و شهرسازی آرمان شهر، ۱۲(۲۹)، ۹۹-۱۱۲.

عابدینی، ا و دیگران. (۱۳۹۶). تحلیل ساختار فضاهای شهری مطلوب زنان با تأکید بر امنیت در شهر ایرانی-اسلامی (مطالعه موردی: محله مهدی‌القدم ارومیه). پژوهش‌های جغرافیای برنامه‌ریزی شهری، ۵(۴)، ۶۲۹-۶۴۴.

عسکری، م؛ احمدی، ح و براتی، ن. (۱۳۹۷). تحلیلی بر مؤلفه‌های تاریخی بنیادین دینی-فرهنگی شهر ایرانی اسلامی در قرون نخستین و قرون میانی. فصلنامه علوم اجتماعی، ۸۱(۱)، ۳۷-۷۴.

عسکری، م؛ احمدی، ح، و براتی، ن. (۱۳۹۶). تبیینی اکتشافی از کارکردپذیری وقف در شهرهای دوره اسلامی مطالعه موردی: شهر ایرانی در قرون نخستین و میانی. مطالعات شهر ایرانی اسلامی، ۸(۲۹)، ۶۵-۸۰.

غلامی، س؛ مشکینی، ا و دویران، ا. (۱۳۹۴). طراحی فضایی محلات شهری با تأکید بر اصول دین اسلام در شهر ایرانی-اسلامی (مطالعه موردی: محله شهدای شهر زنجان). هویت شهر، ۹(۲۲)، ۴۱-۵۲.

صادقی، ع؛ خاکزند، م و باقرزاده، ا. (۱۳۹۷). بازشناخت مؤلفه‌های مؤثر بر شکل‌گیری مکان در شهر ایرانی اسلامی مورد پژوهی: مسجد نصیرالملک و مسجد جامع عتیق شیراز. پژوهش‌های معماری اسلامی، ۶(۳) (پیاپی ۲۰)، ۴۹-۶۸.

فرشچیان، ا؛ بلالی اسکویی، آ. (۱۳۹۴). نمود هندسه ادراکی بر سیر تکامل شهر ایرانی در ادوار مختلف شهرسازی (مطالعه موردی: شهر همدان). مطالعات شهری، ۴(۱۵)، ۵۳-۶۷.

قلندریان، ا؛ رفیعیان، م. (۱۳۹۷). تبیین مدل کیفیت محیط در بازآفرینی شهر ایرانی اسلامی. مطالعات شهر ایرانی اسلامی، ۹(۳۴)، ۴۹-۵۸.

محیط آرا، م؛ ملک حسینی، ع و شمس، م. (۱۳۹۷). الگویی راهبردی از محله پایدار شهر اسلامی - ایرانی (محله بنیاد شهر قم). نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی (جغرافیای انسانی)، ۱۰(۳)، ۳۶۱-۳۸۱.

محیط آرا، م؛ ملک حسینی، ع و شمس، م. (۱۳۹۶). کیفیت زندگی در محله‌های شهر اسلامی - ایرانی با نگرش پایداری فضایی-اجتماعی (نمونه موردی شهر قم). آمایش محیط، ۱۰(۳۸)، ۹۵-۱۱۸.

مردانی، س. (۱۳۹۴). طبقه‌بندی آراء متفکران مطالعات شهر اسلامی. باغ نظر، ۱۲(۳۵)، ۶۵-۷۴.

مسعود، م؛ بابائی سالانقوج، ا. (۱۳۹۴). تحلیلی بر مطالعه شکل شهر اسلامی. مطالعات شهر ایرانی اسلامی، ۱۹(۱)، ۵-۱۳.

مشکینی، ا؛ قاسمی، ا و حمزه نژاد، م. (۱۳۹۵). ارزیابی شهر جدید هشتگرد بر مبنای اصول شهرسازی ایرانی اسلامی. مطالعات ملی، ۱۷(۴) (۶۸)، ۵۸-۳۹.

معروفی، ح. (۱۳۹۷). بازخوانی شهر ایرانی (اسلامی) بررسی نهاد های نقش آفرین در حاکمیت شهری و بازتاب فضایی آنان در شهرهای دوران صفویه و قاجار. معماری و شهرسازی ایران، ۹(۱۵)، ۴۵-۳۳.

مولائی، ا. (۱۳۹۸). بازشناسی شاخص های شکل دهنده نظم اجتماعی و فرهنگی در شهر ایرانی - اسلامی (مقایسه تطبیقی بازار تاریخی تبریز و پاساژهای پیرامون). جامعه پژوهی فرهنگی، ۱۰(۱)، ۱۰۶-۸۱.

موقر، ح؛ رنجبر، ا و پورجعفر، م. (۱۳۹۴). بازشناسی مفهوم محله در شهرهای کویری ایران (نمونه مطالعاتی محله های شهر نایین). مطالعات معماری ایران، ۴(۸)، ۵۶-۳۵.

منتظرالقائم، ا؛ امینی، ر. (۱۳۸۸). تحلیل و بررسی موقعیت مدنی شهر واسط تا قرن سوم هجری، تاریخ اسلام، ۴(۴۰)، ۶۵-۸۰.

منتظرالقائم، ا؛ کوشکی، ف. (۱۳۹۸). تحلیل سامان دهی آرامستان های شهر اصفهان از منظر الگوی شهر ایرانی اسلامی. مطالعات شهر ایرانی اسلامی، ۹(۳۶)، ۵۸-۴۹.

منصوری، س؛ عرب سلغار، ن. (۱۳۹۴). سیر تحول رابطه ساختاری باغ و شهر در سازمان فضایی شیراز از سده چهارم تا دوازدهم هجری قمری. مطالعات معماری ایران، ۴(۸)، ۲۰-۵.

میرزا کوچک خوشنویس، ا. (۱۳۸۵). دولت شهر آرمانی ایرانی: مفهوم فضای شهری ایران. باغ نظر، ۳(۶)، ۱۱۸-۱۰۱.

نژادستاری، س. (۱۳۹۰). نقش میدان های شهری و بررسی عواقب ناشی از تنزل جایگاه آن در شهرهای امروز با تاکید بر شهرهای ایرانی. مطالعات شهر ایرانی اسلامی، ۱(۳)، ۷۰-۵۷.

نقش جهان پارس. (مهندسی مشاور، (۱۳۹۴). بوطیقای عتیق، در دست چاپ.

نقی زاده، م. (۱۳۸۵)، تأملی در روند دگرگونی میدان در شهرهای ایرانی، مجله هنرهای زیبا، شماره ۲۵، ۱۵-۲۴

منابع لاتین:

- Carmona, M. (۲۰۱۰). Contemporary Public Space. Part Two: Classification, Journal of Urban Design, ۱۵(۲), pp. ۱۵۷-۱۷۳
- Federico Rossi, E. A. (۲۰۱۵). Integrated improvement of occupants' comfort in urban areas during outdoor events. Elsevier Ltd, pp. ۲۸۵-۲۹۲
- Stanley, Benjamin W. (۲۰۱۵). Local property ownership, municipal policy, and sustainable urban development in Phoenix, AZ. Development Journal. ۵۰(۳), pp. ۵۱۰-۵۲۸
- Groblek, L. (۲۰۱۵). Public Spaces and Private Spaces Open to the Public: Spatial Planning and Development Using Urban Design Guidelines. Open Urban Studies and Demography Journal. ۱. pp. ۲۳-۳۴.